

نظر دانش پژوهان در باره دوره‌های آموزش عالی معلمان گران

مقدمه

از جمله وظایفی که برای مدیران تعیین شده، فراهم کردن امکانات لازم برای شرکت زیر دستان خود در دوره‌های آموزشی است. این دوره‌ها می‌تواند به شیوه‌هایی نظیر آنچه در زیر می‌آید، برگزار شود:

الف - دوره‌های آموزشی کوتاه مدت
بدون اینکه در پایان به مدرک رسمی ختم شود.
ب - دوره‌های آموزشی کوتاه مدت تا بلند مدت که در پایان به صدور گواهینامه ختم می‌شود، اما ارزش علمی یا استخدامی ندارد، هر چند در احتساب امتیاز کارمندان سودمند است.
ج - دوره‌های آموزشی میان مدت یا بلند مدت که به مدرک رسمی ختم می‌شود و طبقاً ارزش علمی و استخدامی دارد.

ضمناً، هر یک از دوره‌های یاد شده می‌تواند در داخل سازمان یا در خارج آن برگزار شود، اگر چه کم و کیف آن با محل برگزاری دوره ارتباطی ندارد یا به بیان دیگر محل برگزاری امتیازی برای یک دوره آموزشی محسوب نمی‌شود.

اهداف اساسی برگزاری دوره‌های آموزشی متعدد است، ولی می‌توان موارد زیر را از اهم آنها دانست:

۱- کمک به کارمندان برای فراگیری مطالب جدیدی که در دوره‌های تحصیلی خود نخوانده‌اند.

۲- کمک به کارمندان برای فراگیری مطالب جدیدی که پس از فارغ التحصیلی آنان به معارف بشری افزوده شده است. به این ترتیب، هر گاه یک سازمان بتواند به طور متوسط هر ۵ سال یک بار چنین دوره‌هایی برگزار کند، می‌توان امیدوار بود که هر کس در این دوره‌ها شرکت کند، با علوم روز همپایی داشته باشد.

۳- کمک به رشد و تعالی سازمان، زیرا

نتیجه آموزشهایی که کارمندان می‌بینند، به سازمان باز می‌گردد، یا به تعبیر دیگر، کارمندان از دیدن این دوره‌ها دانش جدید و رضایت خاطر کسب می‌کنند و در نتیجه با دلسوزی بیشتری در خدمت سازمان باقی می‌مانند. از این رو، در بحثهای مدیریتی گفته می‌شود که برگزاری دوره‌های آموزشی از جمله ابزار رضایت خاطر کارمندان و حفظ آنان در سازمان است. خوشبختانه از سالها قبل آموزشهای یاد شده مورد توجه سازمانهای مختلف کشور قرار گرفته و از جمله وزارت آموزش و پرورش نمونه‌های متعددی از این دوره‌ها را برگزار می‌کند. نوشته حاضر به بررسی در باره دو نمونه از مراکز برگزار کننده چنین دوره‌هایی اختصاص دارد.

روش و محل بررسی

برای یک بررسی محدود پیرامون موضوع یاد شده، دو مورد از مراکز آموزشی وزارت آموزش و پرورش، یعنی مرکز آموزش عالی ضمن خدمت معلمان و مرکز تربیت معلم گران، انتخاب شد تا بوسیله پرسشنامه‌ای که قبلاً تهیه شده بود، تحقیق حاضر انجام شود. این پرسشنامه شامل ۱۰ سؤال بسته چهارگزینه‌ای و ۶ سؤال بسته دوگزینه‌ای بود و میان ۲۰۰ نفر از معلمان مشغول به تحصیل در مراکز یاد شده توزیع و جمع آوری شد.

نتایج بررسی

توضیح اینکه در مرکز آموزش عالی یاد شده رشته‌های علوم تربیتی، علوم تجربی، مشاوره، مربی کودک، ریاضی، دینی - عربی و زبان و ادبیات فارسی دایر است و دانش پژوهان در دوره‌های کاردانی و کارشناسی روزانه یا شبانه یا دوره‌های تابستانی در آن تحصیل می‌کنند. کل

دانشجویان در زمان بررسی، یعنی اوایل سال ۱۳۷۵، حدود ۲۰۰۰ نفر بودند که حدود ۱۰ درصد آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند.

نمونه‌های آماری به نسبت مساوی از میان زنان و مردان انتخاب شدند. این انتخاب جنبه تصادفی ساده داشت تا همه کسانی که در دوره‌های یاد شده شرکت می‌کنند، برای انتخاب شدن فرصت مساوی داشته باشند. جدول زیر تعدادی از یافته‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: ضرورت تشکیل دوره‌های مورد نظر

جنس	زن		مرد	
	گزینه	درصد	گزینه	درصد
بسیار زیاد	۴۲	۴۲	۵۵	۵۵
زیاد	۵۱	۵۱	۴۳	۴۳
تاحدودی	۷	۷	۲	۲
هیچ	—	—	—	—

به طوری که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، در ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی بین دو گروه مورد مطالعه تفاوت چندانی وجود ندارد، زیرا هم زنان و هم مردان ضرورت آن را با گزینه‌های "بسیار زیاد" و "زیاد" مشخص کرده‌اند. هر چند درصد پاسخهای "تا حدودی" زنان تقریباً ۳ برابر مردان است.

جدول شماره ۲: نشر سازنده دوره‌های آموزشی

جنس	زن		مرد	
	گزینه	درصد	گزینه	درصد
بسیار زیاد	۵۷	۵۷	۶۳	۶۳
زیاد	۳۸	۳۸	۳۰	۳۰
تاحدودی	۵	۵	۷	۷
هیچ	—	—	—	—

جدول شماره ۲ حاکی از آن است که زنان و

مردان در باره نقش سازنده دوره‌های آموزشی مورد نظر نیز توافق نسبی دارند، زیرا بیش از ۵۰ درصد هر دو گروه گزینه "بسیار زیاد" و بیش از ۳۰ درصد گزینه "زیاد" را انتخاب کرده‌اند. در پاسخ این سؤال نیز گزینه "هیچ" را حتی یک نفر انتخاب نکرده است.

جدول شماره ۳: مطلوبیت عده دانش پژوهان در هر کلاس

جنس	زن		مرد	
	عده	درصد	عده	درصد
کاملاً مطلوب	۱۴	۱۴	۱۱	۱۱
مطلوب	۲۷	۲۷	۳۸	۳۸
متوسط	۳۲	۳۲	۲۸	۲۸
نامطلوب	۲۷	۲۷	۲۳	۲۳

جدول شماره ۳ مبین آن است که دانش پژوهان از کثرت جمعیت کلاسهای آموزش رضایت ندارند، زیرا جمع گزینه‌های "کاملاً مطلوب" و "مطلوب" هر گروه به ۵۰ درصد نمی‌رسد، حال آنکه دو گزینه "متوسط" و "نامطلوب" از ۵۰ درصد زیادتر است.

جدول شماره ۴: تأثیر آموزشهای ضمن خدمت در تشدید

مشکلات شخصی و خانوادگی		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده
بلی	۹۴	۹۴	۹۴	۹۴	۱۰۰
خیر	۶	۶	۶	۶	۴۳

جدول شماره ۴ گویاتر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد. با این حال، شایان یادآوری است که زنان و مردان مورد مطالعه عقیده دارند دوره‌های آموزشی مشکلات شخصی و خانوادگی آنان را تشدید می‌کند. در عین حال، در حاشیه پرسشنامه اکثر اشاره کرده‌اند که چاره‌ای جز شرکت در این دوره‌ها ندارند، زیرا آن را در آینده شغلی و مادی خود مؤثر می‌دانند.

جدول شماره ۵: تأثیر آموزشهای ضمن خدمت در تشدید

مشکلات اقتصادی		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده
بلی	۵۶	۵۶	۵۶	۵۶	۷۹
خیر	۴۴	۴۴	۴۴	۴۴	۲۱

به استناد جدول شماره ۵ می‌توان گفت که شرکت در دوره‌های آموزشی مشکلات مادی یا اقتصادی مردان را بیش از زنان تشدید می‌کند. احتمالاً دلیل این امر آن است که معمولاً مردان متکفل تأمین مایحتاج همسران و فرزندان خود هستند، در حالی که زنان کمتر چنین مسؤولیتهای دارند.

جدول شماره ۶: رابطه دوره‌های آموزشی با بهبود آینده:

افراد مورد مطالعه		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده
بسیار زیاد	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۴
زیاد	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۱۵
متوسط	۵۲	۵۲	۵۲	۵۲	۴۲
کم	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۳۹

اطلاعات جدول شماره ۶ تصویری متفاوت با جدول شماره ۱ تا ۴ ارائه می‌دهد. به طوری که دیدیم، در چهار جدول نخست تفاوت چندانیتی بین آرای زنان و مردان وجود نداشت، حال آنکه در جدول شماره ۶ وضعیت چنین نیست. به بیان دیگر، عده‌ای زنانی که به آینده خود امید زیادتری دارند و معتقدند که دوره‌های آموزشی در بهبود آینده آنان مؤثر خواهد بود، تقریباً ۴ برابر مردان است. بر عکس، در گزینه "متوسط" تفاوتها چندان زیاد نیست. اما در حالی که فقط ۱۰ درصد زنان گزینه "کم" را انتخاب کرده‌اند، این عدد (و درصد) در مورد مردان ۳۹ (درصد) است. بنابر این می‌توان گفت که زنان مورد مطالعه در مقایسه با مردان نسبت به تأثیر دوره‌های آموزشی خوشبینی زیادتری دارند.

جدول شماره ۷: نحوه برخورد مسؤولین دوره‌های

آموزش با دانش پژوهان		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده
عالی	۶۲	۶۲	۶۲	۶۲	۴۶
خوب	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۲۷
متوسط	۸	۸	۸	۸	۲۵
بد	—	—	—	—	۲

اگر چه گزینه "خوب" در بین زنان و مردان مورد مطالعه به نسبت تقریباً مساوی انتخاب شده، اما جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که در گزینه "عالی" زنان نگرشی بسیار مطلوب‌تر از مردان دارند. همچنین، در حالی که فقط ۸ درصد زنان

گزینه "متوسط" انتخاب کرده‌اند، درصد مردانی که این گزینه را انتخاب کرده‌اند، ۲۵ یا بیش از سه برابر زنان است، مضافاً اینکه ۲ مرد از برخورد "بد" مسؤولین یاد کرده‌اند، در حالی که زنان چنین انتخابی ندارند. بنابر این، به استناد جداول شماره ۶ و ۷ با فاطمیت می‌توان گفت که زنان مورد مطالعه خوشبینی زیادتری از مردان دارند و دوره‌های آموزشی و مدیریت آن را بسیار مطلوب‌تر می‌بینند.

جدول شماره ۸: برخورد مدرسان دوره‌های آموزشی با

دانش پژوهان		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده
عالی	۶۱	۶۱	۶۱	۶۱	۶۹
خوب	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۱۷
متوسط	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
بد	۲	۲	۲	۲	—

میزان رضایت دانش پژوهان زن و مرد از مدرسان مراکز آموزشی مورد مطالعه تقریباً یکسان است، زیرا در سه گزینه نخست تفاوت چندانیتی بین آنها دیده نمی‌شود. اما چون دو زن گزینه "بد" را انتخاب کرده‌اند، می‌توان گفت که در اینجا نظر زنان در مقایسه با مردان اندکی منفی‌تر است. حال، اگر این پاسخها را با آنچه در سؤال مربوط به شیوه تدریس مقایسه کنیم، باز هم به این نتیجه می‌رسیم که نارضایتی زنان از مدرسان بیش از مردان است، زیرا در اینجا ۷ زن در برابر ۴ مرد گزینه "بد" را انتخاب کرده‌اند. همچنین، نسبت زنان و مردان گزینه "عالی" به ترتیب ۱۲ و ۵۶ است که از رضایت بسیار زیادتر مردان حکایت می‌کند.

جدول شماره ۹ حکایت از آن دارد که زنان و مردان مورد مطالعه عقیده ندارند که گذراندن دوره‌های آموزشی در ارتقای شغلی آنان مؤثر است، حال آنکه قراین حاکمی از حالت بالعکس است. بنابر این، شاید بتوان گفت که یا احتمالاً مفهوم ارتقای شغلی را نمی‌دانند و آن را انحصاراً در تصدی پستهای مدیریتی تصور کرده‌اند، یا به دلیل جوان بودن چندان آمیدی به خود و این دوره‌ها ندارند.

از سوی دیگر، حدود ۹۰ درصد زنان و مردان عقیده دارند که دین دوره‌های آموزشی در انجام بهتر وظیفه مددکار آنان خواهد بود، که البته این توزیع پاسخها امیدوارکننده است.

توزیع	ارتقای شغلی؟				انجام بهتر وظیفه؟			
	زن		مرد		زن		مرد	
گزینه	عده	درصد	عده	درصد	عده	درصد	عده	درصد
بلی	۶	۶	۱۰	۱۰	۸۲	۸۲	۹۰	۹۰
خیر	۹۴	۹۴	۹۰	۹۰	۱۸	۱۸	۱۰	۱۰

چند پیشنهاد

با عنایت به جداول شماره ۱ تا ۹، توزیع گزینه‌های سایر سؤالات پرسشنامه، و گفت و شنود با دانش پژوهان دو مرکز آموزشی مورد مطالعه، می‌توان نکات زیر را پیشنهاد کرد:

۱- با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد افراد ضرورت تشکیل دوره‌های آموزشی را "بسیار زیاد" و "زیاد" می‌دانند، پیشنهاد می‌شود این دوره‌ها در مراکز مورد مطالعه، و سایر مراکز مشابه سراسر کشور ادامه پیدا کند، زیرا معلمان از گروههای محروم جامعه هستند و تنها از طریق چنین دوره‌هایی می‌توانند به دانش و بینش زیادتر مجهز شوند.

۲- چون در نقش سازنده دوره‌های آموزشی در میان افراد مورد مطالعه توافق نسبی و در سطح بالا وجود دارد، باز هم ادامه فعالیت مراکز یاد شده، و دیگر مراکز مشابه، توصیه می‌شود.

۳- با توجه به اینکه نسبت حدود ۱ به ۲۵ تا ۳۰ کلاسهای آموزشی عددی نسبتاً متعادل است، و از طرف دیگر افراد مورد بررسی از مطلوبیت کلاسها (عده دانش پژوهان) رضایت ندارند، پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش مدرسان زیادتری به خدمت بگیرد تا جمعیت کلاسها از حدود ۳۰ نفر تجاوز نکند.

۴- به طوری که از جداول شماره ۴ و ۵ استنباط می‌شود، افراد مورد مطالعه عقیده دارند که دوره‌های آموزشی خوب است، اما شرکت در آن مشکلات خانوادگی، شخصی و اقتصادی آنان را تشدید می‌کند. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود تربیتی اتخاذ گردد که این مشکلات به حداقل کاهش یابد. برای مثال، تشکیل دوره‌ها در تابستان یا در ساعات عصر و شب می‌تواند راه حلی ساده و کم هزینه باشد.

۵- تبلیغ در باره دوره‌های آموزشی، تحقق وعده‌هایی که با این تبلیغات داده می‌شود، و قابل شدن ارزش لازم در ارتقاء و ترفیع معلمان که دوره‌های آموزشی را می‌گذرانند، از

برنامه‌های سالهای اخیر وزارت آموزش و پرورش بوده، اما به نظر می‌رسد چندان توفیق از این اقدامات حاصل نشده است. در واقع، اگر بپذیریم که حدود ۲۰۰۰ نفر جامعه آماری مورد بررسی مثنی نمونه خروار هستند، پیشنهاد می‌شود که وزارت آموزش و پرورش به طریق مقتضی و مطلوب نسبت به شناساندن ابعاد مهم این دوره‌ها اقدام نماید.

۶- هر چند عده معدودی از افراد مورد مطالعه برخورد مسؤولین مراکز آموزشی را "متوسط و بد" می‌دانند، اما چون مسأله "تربیت عملی" اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، بهتر است تمهیداتی اندیشیده شود که همین درصد اندک نیز به صفر تنزل کند.

۷- از گذشته‌های دور یکی از "سرمشکتهای" دوران مدرسه چنین بوده است:

ذات نایافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش
به علاوه، خود ما به عنوان شاگرد و حتی دانشجو این سخن را بارها از زبان معلمان شنیده‌ایم و متقابلاً آن را در کلاسها به شاگردان و دانشجویان گفته‌ایم. بی شک، آنچه بصورت ضرب‌المثل در می‌آید، به دلیل بار مفهومی عمیقی است که در خود نهفته دارد.

در جدول شماره ۸ دیدیم که حدود ۶۰ درصد افراد مورد مطالعه برخورد مدرسان را با دانش پژوهان عالی و حدود ۲۰ درصد خوب تصویر کرده‌اند. همچنین، در یک سؤال دیگر که به شیوه تدریس مربوط می‌شد نیز عده کسانی که گزینه "ضعف" مدرسان را انتخاب کرده‌اند، حدود ۶ درصد است، ضمن اینکه در اینجا نیز گزینه "عالی" حدود ۳۰ درصد است. بنابر این، توصیه می‌شود حتی با توجه به همین درصد اندک نارضایتی از برخورد انسانی و مهارت و هنر تدریس مدرسان دو مرکز آموزش عالی، وزارت آموزش و پرورش نسبت به انتخاب بهترین مدرسان اقدام نماید و در دوره‌های آموزشی که برای آنان برگزار می‌کند، این نکات را به آنها گوشزد نمایند تا روز به روز شاهد دستاوردهای

بیشتر و بهتر مدرسان شایسته‌تر باشیم.

۸- اگر چه نمی‌توان گفت که یافته‌های تحقیق حاضر قابل تعمیم به سایر مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش است، اما با تکیه بر حدس و گمان می‌توان گفت که عده‌ای از معلمان یا دانشجو معلمان یا دانشجویان دوره‌های دبیری از آینده شغلی خود آگاهی کافی ندارند. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش نسبت به معرفی دوره‌های آموزشی و تأثیر آن در آینده شغلی کسانی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند، توجه زیادتری مبذول دارد.

۹- و بالاخره چون بررسی حاضر در سطحی بسیار محدود انجام شده، پیشنهاد می‌شود در سایر مراکز آموزش عالی وابسته به وزارت آموزش و پرورش نیز بررسیهای مشابهی انجام شود تا بتوان بر اساس نتایج به دست آمده به شیوه‌ای کارآمدتر برنامه ریزی کرد.

یادداشتها

۱- این بررسی توسط آقایان رمضان بزرگوری و احمد رونوفزاده انجام و مقاله حاضر براساس یافته‌های آنان تدوین شده است.

۲- منظور از "تربیت عملی" همان الگو برداری شاگرد از معلم (یا کودک از بزرگسالان) است که به یک تعبیر می‌توان آن را "یادگیری ضمنی" تعریف کرد. برای بررسی بیشتر در باره تأثیر عمیق این یادگیری، مطالعه مباحث یادگیری روان شناسی توصیه می‌شود.

۳- در مواقعی که با دانشجویان دبیری کلاس دارم، سؤالات متعددی در این زمینه مطرح می‌کنند که نشان می‌دهد اطلاعات آنان از آینده شغلی دبیری بسیار محدود است. حتی دانشجویان کارشناسی ارشد و بالاتر نیز در این زمینه مشکلاتی دارند که گاه و بیگاه مطرح می‌کنند.